

درس پنجم

هفت خان رستم

نوع نثر: ساده و روان

برگرفته از: کتاب شاهنامه‌ی، فردوسی با تلخیص و بازنویسی

شاعر: فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها، به ترتیب سطرها و بیت‌ها

| | |
|---|---|
| رخش: اسم اسب رستم؛ در لغت به معنی رنگ سرخ و سفید مخلوط شده است. | هفت‌خان: نام هفت مرحله از جنگ‌های رستم |
| زابلستان: نام شهری در استان سیستان و بلوچستان | مرحله: فاصله‌ی بین دو منزل که مسافر طی می‌کرده است، قسمت |
| قوی پنجه: زورمند، توانا | اهریمن: شیطان و ابلیس |
| سخت: پُر از رنج و زحمت | کیکاووس: پادشاه نادان و بی‌اراده‌ی ایرانی |
| تیمار کردن: مراقبت کردن، خدمت کردن، رسیدگی به آب و خوراک حیوان. | دیوان: جمع دیو، موجودات خیالی و ترسناک |
| نخجیر: شکار، حیوانی را که شکار کنند. | رهایی: آزادی |
| فرجام: پایان، آخرکار، عاقبت کار | بند: طناب، ریسمان، اسارت |
| دیده: چشم | اژدها: جانور افسانه‌ای بزرگ به شکل سوسمار که اغلب دو سر دارد. |
| پرخاش: جنگ و ستیزه جویی، دُرستی | پیکار: جنگ |
| سُم: قسمت انتهایی انگشتان حیوانات که مثل کفش برای آن‌هاست. | نبرد: جنگ |

| | |
|---|--|
| آذر گُشسب: آتش تند و تیز، در شاهنامه کنایه از هرچیز مورد نیایش آمده و نیز اسم یکی از پهلوانان است. | چاک چاک: پاره پاره |
| یال: موهای بلند پشت گردن اسب | سهمگین: خوفناک، ترس آور، ترسناک |
| دلیر: شجاع، در این جا همان رستم است. | بَر: سینه، تن |
| دیو سپید: در خان هفتم که رستم و اولاد به «هفت کوه» محلّ زندگی دیو رسیدند، رستم دست و پای اولاد دیو را بست و سپس به غار حمله کرد و دیو سپید را از پا درآورد. | بدین سان: به این گونه |
| ز بهر: به خاطر | قصد: خواست و اراده برای انجام کاری |
| نیایش: راز و نیاز کردن با خداوند | حیله: مکر و فریب |
| داور: انصاف دهنده، خدای تعالی | چیره: غالب: پیروز (چیرگی: پیروزی) |
| دادگر: کسی که با عدالت رفتار می کند. | خم: در این درس به معنی حلقه‌ی طناب |
| گُردی: پهلوانی، دلیری | کمند: طناب، بند، ریسمان |
| | بیم: ترس |
| دستگاه: شکوه، قدرت، عظمت | أولاد: نام دیوی است که در خان پنجم، رستم با وی و سپاهیان‌ش مواجه می شود و آن‌ها را تا رو مار می کند. ارژنگ دیو: نام یکی از سرداران دیو سپید است. ششمین خان رستم، جنگ با ارژنگ دیو است. |

معنی جمله‌ها

* می گویند «از هفت خان رستم» گذشته است.

معنی: به کنایه: توانسته است، مراحل دشواری را پشت سر بگذارد و به موفقیت برسد.

* دیوها را از پای درمی آورد.

معنی: به کنایه: دیوها را نابود می کرد.

* رخس به تنگ می آید.

معنی: به کنایه: رخس، خسته می شود.

www.my-dars.ir

معنی بیت‌ها

بیت ۱: خروشید و جوشید و برکند خاک / زسُمّش زمین شد همه، چاک چاک

معنی: رخس، شیهه کشید و جَسْت و خیزگنان، از شدت خشم با ضربه‌های سُمّش، زمین را پاره پاره کرد.

نکته‌ی آرایه‌ای: در این بیت مبالغه به کار رفته است: در خشم رخس، اغراق شده است.

بیت ۲: بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش / فرو ریخت چون رود، خون از برش

معنی: رستم با شمشیر، سرش را از تن جدا کرد و خون فراوانی از تن اژدها جاری شد.

نکته‌های آرایه‌ای: تشبیه: خون: مشبه و رود: مشبه‌به / در ریخته شدن خون، مبالغه شده است.

بیت ۳: بینداخت چون باد، خَمّ کمند / سر جادو آورد ناگه به بند

معنی: رستم با سرعت بسیار، طناب را به طرف جادوگر پرتاب کرد و سرش را با ریسمان بست و او را اسیر کرد.

نکته‌های آرایه‌ای: چون باد ← تشبیه / کنایه در سرعت بسیار دارد و مبالغه شده است.

بیت ۴: میانش به خنجر به دو نیم کرد / دل جادوان زو پُر از بیم کرد

معنی: با خنجر، جادوگر را از کمر، نصف کرد و تمام جادوگران از این اتفاق ترسیدند.

بیت ۵: چو رستم بدیدش برانگیخت اسب / بدو تاخت مانند آذرگشسب

معنی: وقتی رستم او را دید، اسبش را به حرکت درآورد و مانند آتش تند، به سرعت روانه شد.

نکته‌ی دستوری: «چو» در مصراع اول به معنی «زمانی که»، «وقتی که»، حرف ربط است؛ بنابراین، نباید با نشانه‌ی تشبیه (ادات تشبیه) اشتباه کرد. / مرجع «او»، ارژنگ دیو است.

نکته‌های آرایه‌ای: مانند آذرگشسب ← تشبیه / تاختن مانند آذر گشسب: کنایه از تند و سریع حرکت کردن

بیت ۶: سر و گوش بگرفت و یالش دلیر / سر از تن بکندش به کردار شیر

معنی: رستم سر و گردن ارژنگ دیو را گرفت و مانند شیر شجاع و قوی سرش را از تن جدا کرد.

نکته‌ی آرایه‌ای: به کردار (= مانند) شیر ← تشبیه

بیت ۷: ز بهر نیایش، سر و تن بشُست / یکی پاک جای پرستش بجُست

معنی: رستم برای راز و نیاز با خداوند، خودش را سُست و جای پاکی را برای عبادت کردن پیدا کرد.
نکته‌ی دستوری: نیایش، متمم است و سر و تن، مفعول می‌باشد. / پاک جای، ترکیب وصفی مقلوب است: جای پاک / یکی پاک جای پرستش، گروه مفعولی است.

بیت ۸: از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت: کای داور دادگر!

معنی: بعد از این مشغول عبادت و راز و نیاز با خداوند شد و گفت: ای خداوند بزرگ و عادل!

نکته‌ی دستوری: داور دادگر، ترکیب وصفی است و نقش منادا دارد.

نکته‌ی آرایه‌ای: سر بر خاک نهاد: کنایه از فروتنی و فرمان‌برداری کردن. در این درس یعنی راز و نیاز کردن.

نکته‌ی ادبی: این بیت: موقوف‌المعانی است و با بیت بعدی کامل می‌شود.

توضیح بیشتر

موقوف‌المعانی: بی‌تی که از نظر معنی، کامل نباشد و با بیت یا بیت‌های بعدی کامل شود.
(بیت‌هایی که از نظر معنی به هم وابسته هستند.)

بیت ۹: ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا، گردی و دستگاه

معنی: پروردگارا! در برابر تمام بدی‌ها، پناهگاه بندگان هستی و تو به من پهلوانی، قدرت و عظمت داده‌ای.

نکته‌ی دستوری: «را» در مصراع اول، نشانه‌ی مفعولی نیست و در مصراع دوم، «را» به معنی «به» است و حرف اضافه می‌باشد (مرا = به من)

پیام درس

این درس درباره‌ی هفت خان رستم مطالبی گفته است. رستم برای نجات دادن کیکاووس، پادشاه ایران، به مازندران می‌رود و با دیوها می‌جنگد. رستم در این سفر، هفت مرحله‌ی سخت و دشوار را طی می‌کند که به

آن هفت‌خان می‌گویند.

www.my-dars.ir

هفت خان رستم، عبارت‌اند از:

- ۱- رخش، شیر را می‌کشد.
- ۲- رستم بر تشنگی غلبه می‌کند.
- ۳- رستم، اژدها را می‌کشد.
- ۴- رستم جادوگر را از بین می‌برد.
- ۵- اولاد دیو به دست رستم، اسیر می‌شود.
- ۶- رستم، ارژنگ دیو را شکست می‌دهد.
- ۷- رستم، دیو سپید را می‌کشد.

تاریخ ادبیات

شاهنامه‌ی فردوسی

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان و شاهکار حماسه‌ی ملی ایرانیان است.

شاهنامه اثری است منظوم که شامل پنجاه هزار بیت است و سرودن آن حدود سی سال طول کشیده است.

فردوسی خود درباره‌ی شاهنامه می‌گوید:

همه رنج بُردم به بسیار سال

من این نامه فرخ (= شاهنامه) گرفتم به فال

در سال ۲۰۱۰ میلادی، هزارمین سالگرد نوشته شدن شاهنامه، از سوی یونسکو، جشن گرفته شد.